



جایگاه عترت در هدایت قرآنی

سید محمد حسینی شاهرودی

قرآن متکفل هدایت بشر و ضامن سعادت همیشگی انسان است. افراد بشر را در تمام شئون زندگی و در همه قرن‌ها و زمان‌ها رهبری می‌کند. در قرآن هر چه موجب هدایت و سعادت بشر است، ارائه می‌شود تا وصف "هدی للناس" (بقره، ۱۸۵) یا "هدی و رحمه للمؤمنین" (یونس، ۵۷) بر آن صدق کند. و برای کسی، دلیلی مبنی بر عدم هدایت و راهنمایی وجود نداشته باشد؛ "لئلا یکون للناس علی الله حجه بعد الرسل" (نساء، آیه ۱۶۵) و خداوند همین تعداد آیات قرآن را برای هدایت مردمان کافی دانسته و فرموده است:

همانا این قرآن به آیینی درست‌تر و استوارتر راه می‌نماید. و مؤمنانی را که کارهای نیک و شایسته می‌کنند، مژده می‌دهد که ایشان را مزدی بزرگ است. (اسراء، ۹) خداوند متعال در اولین آیه سوره بقره، قرآن را کتاب هدایت متقین معرفی می‌کند. و سپس به بیان بعضی از صفات و ویژگی‌های آنان می‌پردازد.

«الم ذلک الکتاب لا ریب فیهِ هدی للمتقین» (بقره، ۲)

الم، آن کتاب که هیچ گونه شکّی در آن نیست (کتاب) هدایت برای متقیان است. حال، این سؤال پیش می‌آید که آیا قرآن فقط متقیان را هدایت می‌کند، یا راهنمای





همه انسان هاست؟ در پاسخ باید گفت: کلمه هدایت در قرآن به دو معنی استعمال شده است. نخست، راه نشان دادن که همه انسان ها را دربر می گیرد. در این مرحله قرآن برای همه انسانها هدایت است، زیرا همه را به راه راست دعوت می کند و خداوند راه سعادت و راه شقاوت را برای همه انسان ها معلوم و روشن کرده است: «وَهَدَيْنَاهُ النَّجْدَيْنِ» (بلد، ۱۰) راه خیر و شر را به او نشان دادیم. مرحله دوم به معنای راه بردن و به مقصد رساندن است. در این مرحله قرآن فقط برای کسانی هدایت است، که به دستورات آن عمل کنند. و گوش دل به ندای قرآن بسپارند. و اینان متقیانند؛ کسانی که دلشان در مقابل حق خاضع و رام است و سعی و کوشش آنان در رسیدن به رضای حق است، اما کسانی که نسبت به حق عناد دارند و سعی و تلاش آنان در برآوردن هواهای نفسانی و شهوانی خود می باشد. و به دستورات قرآن وقعی نمی نهد، بطور طبیعی از هدایت قرآن بی بهره خواهند بود.

قرآن، کتاب نور است؛ کتاب نوری که انسان را به وسیله آن از ظلمت ها بیرون می آورد. و به سوی نور خود هدایت می کند؛ چنانکه می فرماید: "قَدْ جَاءَكُمْ مِنَ اللَّهِ نُورٌ وَكِتَابٌ مُبِينٌ" * یهدی به الله من اتبع رضوانه سبیل السلام و یخرجهم من الظلمات الی النور یادنه و یهدیهم الی صراط مستقیم» (مائده، ۱۵-۱۶)

خداوند دنبال کنندگان رضایت خود را به وسیله قرآن به راه های سلامت، هدایت می کند. و به اذن خویش آنان را از تاریکی ها به سوی نور بیرون می برد و به راه راست، هدایتشان می کند. قرآن کریم هدایت را برای کسانی می داند، که در خود زمینه پذیرش حق را ایجاد کرده و خواستار رضایت خدا باشند. به عبارت دیگر، هدایت قرآن از آن کسی است که با قبول قرآن و ایمان به خدا و تصدیق پیامبر (ص) و پیروی از دین او، دنبال کننده رضای خدا باشد. (مجمع البیان، ج ۲، جزء ششم، ص ۵۷)

هدایت به این معنا فقط شامل کسانی است، که طالب حق و تسلیم فطرت باشند. چنین کسانی به حکم فطرت، خود را به حق سپرده و با اجرای دستورات و احکام قرآن، به حق می رسند و این آیه شریفه بر این معنا دلالت دارد. و منظور از «سُبُلُ السَّلَام» در آیه راههای سلامت، امنیت و نجات از عذاب الهی یا راه های خدا می باشد. زیرا سلام اسمی از اسماء خدا و «سُبُلُ السَّلَام» یعنی راه های خدا.

قرآن، فرقان است؛ زیرا در پرتو روشننگری های آیات نورانی این کتاب، حق از باطل به وضوح جدا می شود: «تَبَارَكَ الَّذِي نَزَّلَ الْفُرْقَانَ عَلَى عَبْدِهِ لِيَكُونَ لِلْعَالَمِينَ نَذِيرًا» (فرقان، ۱)





قرآن کتابی نیست که بتوان در چند سطر یا چند صفحه و حتی چندین کتاب بزرگ آن را به طور کامل معرفی کرد و کسی جز پیامبر (ص) و اهل بیت (ع) قادر به معرفی و تفسیر قرآن نیست.

اهل بیت حاملان اصلی قرآن

خداوند، پیامبر اکرم حضرت محمد (ص) را بیانگر تفصیل احکام معرفی کرده و اصول آن احکام را در قرآن بیان فرموده است؛ «این قرآن را به سوی تو فرود آوردیم تا برای مردم آنچه را به سوی ایشان نازل شده توضیح دهی و امید که آنان بیندیشند.» (نحل، ۴۴) از سوی دیگر فرمان داده تا دستورها و توضیحات پیامبر (ص) را بپذیرند؛ «و آنچه را فرستاده او به شما داد، آن را بگیری و از آنچه شما را بازداشت، باز ایستید. و از خدا پروا بدارید که خدا سخت کیفر است.» (حشر، ۷) و باز فرمود: «بگو: خدا و پیامبر را اطاعت کنید؛ پس اگر پشت نمودید، بدانید که بر عهده او است آنچه تکلیف شده و بر عهده شما است آنچه موظف هستید و اگر اطاعتش کنید، راه خواهید یافت و بر فرستاده خدا جز ابلاغ آشکار مأموریتی نیست.» (نور، ۵۴) از این رو است که مسلمانان درباره جزئیات احکام همچون کمیت و کیفیت نماز و روزه و حج و زکات و غیره به سنت پیامبر (ص) اعتماد می کنند. خداوند متعال می فرماید: قرآن کتابی است که احاطه به حقیقت و باطن آن تنها در حیثه پاکان است: «إِنَّهُ لَقُرْآنٌ كَرِيمٌ * فِي كِتَابٍ مَكْنُونٍ * لَا يَمَسُّهُ إِلَّا الْمُطَهَّرُونَ» (واقع، ۷۷-۷۹) رسول اکرم (ص)، علی بن ابی طالب (ع) و اهل بیت عصمت و طهارت (ع) را خدا از هرگونه آلودگی منزّه و پاک کرده، و ایشان که مطهرند، می توانند با روح و جان قرآن در ارتباط باشند. (قرآن در قرآن، آیه الله جوادی آملی، ص ۷۶).

قرآن کریم در باره طهارت اهل بیت (ع) می فرماید: «انما يُرِيدُ اللَّهُ لِيُذْهِبَ عَنْكُمُ الرِّجْسَ أَهْلَ الْبَيْتِ وَيُطَهِّرَكُمْ تَطْهِيراً» (الاحزاب، ۳۳)

جز این نیست که خداوند اراده کرده است، رجس و پلیدی را از شما اهل بیت بزداید. و شما را بطور کامل منزّه گرداند.

واژه «رجس» به معنای شیء ناپاک است، خواه از نظر طبع آدمی باشد، خواه به حکم عقل یا شرع، و چون با (الف و لام جنس) ذکر شده همه پلیدیها را شامل می شود؛ خواه پلیدی اعتقادی نظیر کفر و شرک یا اخلاقی مثل کبر و بخل و حسد یا عملی مثل گناه باشد.

کلمه «تطهیر» به معنای پاک سازی است و در حقیقت تأکیدی است بر مسأله از





میان برداشتن رجس و نفی همه پلیدیها. آلوسی می‌نویسد: منظور از رجس در اینجا نجاسات، گناه، عصیان، فسق، شرک، نقص و عیب است. (روح المعانی، آلوسی، ج ۲۲، ص ۱۲)

این آیه دلالت مؤکد بر «عصمت و طهارت اهل بیت» دارد، به چند جهت: الف- این طهارت را به اراده خدا نسبت داده و اراده حق تخلف‌ناپذیر است. البته این اراده خاص خداست که فقط شامل اهل بیت شده، و غیر از اراده عام اوست که شامل همه انسانها می‌شود. توضیح اینکه، خداوند با نزول احکام و دستورات دینی خواسته انسانها را پاک گرداند (مانده، ۶) و این خواست خدا همه انسانها را دربر می‌گیرد، ولی اراده‌ای که در این آیه ذکر شده، غیر از آن است، چون منحصر به اهل بیت است.

ب- با لفظ حصر «انما» این اراده را فقط شامل اهل بیت دانسته است.

ج- بر روی کلمه «رجس» الف و لام آورده تا شامل انواع پلیدیهای ظاهری و باطنی بشود.

د- «اذهاب رجس» (بردن پلیدیها) را با کلمه «یَطَهِّرْكُمْ» تأکید کرده است، چون لفظ دوّم تکراری و تأکید مضمون لفظ اول است و چیز جدیدی نیست. ذکر کلمه تطهیراً به صورت مفعول مطلق در آخر آیه، خود تأکیدی دیگر بر مسأله اذهاب رجس و نفی پلیدیها بطور مطلق است.

باتوجه به آنچه گذشت، معلوم شد که اهل بیت (ع) معصومند؛ حال این سؤال مطرح می‌شود که اهل بیت چه کسانی هستند؟

بیشتر علمای اهل سنت این آیه را در شأن همسران پیامبر دانسته‌اند و تنها دلیلشان این است که چون این آیه در ضمن آیاتی است که مخاطب آنها همسران رسول خدا می‌باشند، پس مخاطب این آیه نیز آنها هستند. در جواب باید گفت: این استدلال زمانی متین به نظر می‌رسد که ثابت شود این آیه در زمره آن آیات نازل شده است و فقط بودن این آیه در بین آیات کفایت نمی‌کند، چون چه بسا رسول خدا (ص) به خاطر مصالحی آیه را در اینجا قرار داده یا اصحاب آن بزرگوار به اجتهاد خود این آیه را جزو آن آیات دانسته و در یک جا نوشته باشند. بعلاوه، در روایات شأن نزول با وجود فراوانی، هیچ روایتی حاکی از این نیست که این آیه در ضمن آن آیات نازل شده، بلکه برعکس روایات متعددی دلالت دارد، که آیه در واقعه‌ای جداگانه و در شأن کسان دیگری نازل شده است.

از طرف دیگر، سیاق این آیه با آیات قبل و بعد فرق دارد، (ضمایر خطاب در این





آیه «كُم» و در آن آیات دیگر «كُنَّ» می‌باشد) و از همه مهمتر اینکه، آن نظریات با مدلول آیه مخالف است؛ زیرا مدلول آیه عصمت اهل بیت (ع) بود، در حالی که هیچ کدام از آن گروه‌ها معصوم نبودند. و هیچ کس در مورد آنان ادعای عصمت نکرده است.

شیعه امامیه با توجه به آیات دیگر و روایات صحیح و متعدد، این آیه را در شأن امام علی، فاطمه زهرا و امام حسن و امام حسین (ع) می‌داند.

دیدگاه روایات

گفتنی است که «اهل بیت» در قرآن نام برده نشده‌اند. و سخن گفتن در مورد شخص آنان بدون دلیل وحی، مصداق تفسیر به رأی بوده و ممنوع است. و باید به پیامبر خدا (ص) رجوع کرد.

خوشبختانه روایات رسول خدا (ص) در این مورد فراوان بوده و در کتابهای روایی و تفسیری اهل سنت (درالمشور، سیوطی، ج ۵، ص ۱۹۴ به بعد؛ روح المعانی، آلوسی، ج ۲۲، ص ۱۵) و شیعه ثبت شده است.

در بین آن روایات فراوان دو دسته اهمیت بیشتری دارد:

الف- آن دسته که دلالت دارد، این آیه جداگانه نازل شده و در زمره آیات مربوط به همسران نبوده است. این روایات که بالغ بر هفتاد روایت است، از طریق عامه و خاصه از ام سلمه، عایشه، ابوسعید خدری، ابن عباس و ... نقل شده است. بخصوص روایات ام المؤمنین «ام سلمه» که حاکی است این آیه در منزل او نازل شده و حتی او از رسول خدا (ص) اجازه خواسته که در زمره اهل بیت وارد شود و پیامبر (ص) ضمن تأیید او، چنین اجازه‌ای به وی نداده است. این روایات کاملاً تأیید کننده حصری است که آیه بر آن تأکید دارد.

ب- روایات فراوانی که دلالت دارد، رسول خدا (ص) در جاهای مختلف اهل بیت (ع) را به مردم شناسانده، در ملاء عام معرفی کرده و برای آنها به عنوان اهل بیت (ع) دعا کرده است.

ابن عباس می گوید: ما نُه ماه همه روزه شاهد بودیم، که پیامبر (ص) صبحگاهان، در خانه حضرت فاطمه (س) می آمد و با صدای بلند می فرمود: سلام و رحمت و برکات خدا بر شما اهل بیت باد، خدا رحمتتان کند، وقت نماز است، بعد حضرت آیه تطهیر را تلاوت می کرد.

ابو سعید خدری گوید: من چهل روز شاهد بودم. ابو حمراء گوید: من شش ماه (و)





به نقلی نُه ماه) شاهد بودم و انس نقل می‌کند که رسول خدا (ص) همواره چنین می‌کرد. (درالمنثور، ج ۵، ص ۱۹۸-۱۹۹)

با توجه به آنچه گذشت که اهل بیت (ع) معصومند. و طبق روایات صحیح و قطعی فراوان که در کتابهای شیعه و سنی نقل شده، اهل بیت (ع) در عرف و اصطلاح قرآن و حدیث موهبتی است که به امیرمؤمنان و حضرت فاطمه و حسن و حسین (ع) اختصاص دارد و بر هیچ کس دیگر اطلاق نمی‌شود، بنابراین باید دین و تفسیر قرآن از زبان آنان گرفته شود. و بر همین اساس است که رسول خدا (ص) می‌فرماید قرآن و عترت اگر با هم باشند موجب هدایت خواهند بود.

